

مالیات سبز یا جریمه سیاه؟

عباس عبدي

این گزاره از کنفوسیوس فیلسوف چینی زیاد تکرار شده است که: «هر ظلمي در جهان از ظلم بر کلمات آغاز ميشود.» جمله عجیبی است و ما اکنون با پوست و گوشت و استخوان خود آن را حس می‌کنیم. برای ما موضوع سابقه تاریخی نیز دارد. استاد شفيعي کدکني نیز به این مساله واقف است و بر همین اساس از يك حکيم چيني نقل می‌کند که: «روزي اگر زمام اصلاح جامعه را به من بسپارند، نخست زبان ایشان را اصلاح می‌کنم.» ایشان مطالعه جامعه‌شناختی درخشانی از زبان سه شاعر مطرح ایرانی یعنی رودکی، فرخی و انوری که نماینده‌های مناسب برای سه دوره سامانیان، غزنویان و سلجوقیان هستند، انجام و نشان داده که چگونه کلمات از دوره سامانیان به سوی سلجوقیان شناور می‌شود و همزمان نیز خودکامگی این حکومت‌ها بیشتر می‌شود. منظور از شناور شدن کلمات نیز، کاربردهای نابجا و حتی متضاد از منظور واقعی کلمه است که این همان ظلم به کلمات است. حتما فرصتی را بگذارید و این پژوهش درخشان را در اینترنت مطالعه کنید.

اکنون ما نیز دچار ظلم به کلمات شده‌ایم، سربازي را مقدس می‌کنند و آن را به فروش می‌گذارند، دنبال تصویب طرح صیانت اینترنت هستند، در حالی که هدف روشن آن محدود کردن دسترسی مردم به اینترنت است و اکنون واژه‌ای به نام مالیات سبز را به میان کشیده‌اند که در واقع باید گفت «جریمه سیاه» است. چرا؟ مالیات يك مفهوم مثبت و با هدف ارتقای زمینه‌ها و نهادهای لازم برای افزایش تولید و رفاه عمومی است. اگر حکومت نباشد، جامعه بدون آن نمی‌تواند رشد کند، البته حکومتی که توسعه‌گرا باشد. چنین حکومتی مهم‌ترین خدمات را به مردم می‌دهد که هزینه آنها را باید از مردم بگیرد. امنیت، عدالت و دستگاه داورى، آموزش عمومی، سطح معینی از بهداشت عمومی، برقراری استانداردها، تصویب مقررات، تضمین مالکیت و جان و مال مردم، ایجاد زیرساخت‌های مهم موردنیاز توسعه و... همه اینها براساس وظایف ذاتی حکومت و با گرفتن مالیات انجام می‌شود. مالیات نیز براساس بهره‌مندی شهروندان از این خدمات گرفته می‌شود و هر کسی که درآمد یا ثروت بیشتری دارد، مالیات بیشتری باید بپردازد. دولت و حکومت به موازات دریافت مالیات باید پاسخگو نیز باشند و نحوه مصرف آن

نیز باید شفاف و قابل دفاع باشد. یکی از وظایف مهم دولت‌ها ایجاد استاندارد است. برای مثال اجاق‌های گاز باید تحت استانداردهای رسمی تولید شوند، در غیر این صورت آتشسوزی‌ها فراوان خواهد شد. مسوولیت تعیین استاندارد و نظارت بر تولیدات و نیز رسیدگی به تخطی از این استاندارد برعهده حکومت است. آیا حکومت می‌تواند این استاندارد را حذف کند و به جای آن مالیات ناشی از عدم رعایت استاندارد بگیرد؟ گرچه به شدت غیرعقلانی و غیرقابل تصور است، ولی این کار را در حوزه خودرو انجام داده است. به این معنا که تولیدکننده می‌تواند بدتر از استاندارد تعیین شده تولید کند، ولی خریدار یا مصرف‌کننده مبلغی را به عنوان مالیات بپردازد و دود ناشی از این عدم استاندارد نیز به ریه بی‌گناه خریدار و مردم برود! به همین سادگی! تازه این هم برای تولیدات خودروهای شخصی و دو کابین است و سایر خودروها چنین مشکلی را ندارند و می‌توانند با همان وضعیت تولید کنند. این در واقع مالیات نیست، بلکه جریمه است و جریمه با مالیات فرق می‌کند.

اگر کسی چراغ قرمز را رد کرد، جریمه می‌شود و دولت‌ها علاقه‌ای به این پول ندارند و ترجیح می‌دهند که رقم آن صفر شود، زیرا رفاه و آسایش بیشتری را تامین می‌کند، ولی مالیات بر درآمد مثبت است و همه دوست دارند که بیشتر شود، زیرا لازمه آن افزایش درآمد مردم است. رنگ این جریمه هم سبز نیست که سیاه است، زیرا اساساً نباید اجازه تولید چنین خودرویی داده شود و نباید شماره‌گذاری شود، مثل مورد ایربگ‌ها است که از ایربگ غیراستاندارد مالیات گرفته شود!! مردم هم باید پول بیشتری دهند و هم خطر بیشتری از مرگ را متوجه خود ببینند. در اینجا نیز پول بیشتری می‌دهند و دود استنشاق می‌کنند. به‌علاوه جریمه نه به مصرف‌کننده که به تولیدکننده تعلق می‌گیرد. مشکل اینجا است که مجلس و دولت کسری پول دارند و برای به دست آوردن آن هر کاری می‌کنند، درحالی که تامین درآمدهای دولت باید براساس انصاف و منطق اقتصادی باشد. فروش سربازی اجباری که به صفت مقدس! تزیین شده است، مالیات بر ارزش ثروت، در حالی که دلیل بالا رفتن آن، تورم ناشی از سوءاستفاده از جیب مردم از طریق افزایش نقدینگی است و نیز گرفتن ده‌ها رقم ریز و درشت دیگر از جمله آنچه که به مالیات سبز شناخته شده، جملگی روش‌های نامتعارف و غیرقابل پذیرش تامین بودجه است و آخر و عافیت مفیدی نخواهد داشت.

منبع: روزنامه اعتماد 12 بهمن 1400 خورشیدی